ضمیمه کتاب و ادبیات روزنامه جام‌جم | سه‌شنبه، ۱۳ آذر ۱۴۰۳ | شماره ۲۸۰

توان‌یاب

■ نگاهی به یک کتاب در روز جهانی معلولان

برای بهتر شدن حال پروانه‌ها تلاش کنیم

امروز ۱۳ آذر (۳ دسامبر) روز جهانی معلولان است. به این بهانه بازنگاهی خواهیم داشت به کتاب «پروانه‌ها گریه نمی‌کنند» که پیشگام آغاز هم‌صحبتی و گشودن باب گفت‌وگوی بی‌واسطه درباب تفاوت‌ها و معلولیت‌های جسمی و ذهنی مختلف است.

نویسنده (مرضیه اعتمادی) که خود مادر یک کودک معلول است، هدف خود را از گردآوری این روایت‌ها بازکردن دریچه‌ای به دنیای کمتر شناخته‌شده معلولیت عنوان کرده است.

وی پیش از این کتاب «شصت» را در روایت بیماری و معلولیت جسمی و ذهنی دخترش زینب نوشته بوده که بعد از چاپ شصت و بزرگ‌ترشدن زینب، مواجهه نویسنده با ابعاد گسترده معلولیت و ملاقاتش با افراد دارای معلولیت و خانواده آنها افزایش یافته و با دیدن دغدغه‌ها و مشکلات آنها، انگیزه لازم را برای نوشتن از زوایای مختلف و پنهان‌مانده معلولیت یافته و «پروانه‌ها گریه نمی‌کنند» را تحریر کرده است.

اعتمادی در مقدمه کتاب اشاره کرده که بچه‌های دارای معلولیت شبیه پروانه‌اند؛ چراکه درعین زیبایی و لطافت به‌شدت آسیب‌پذیرند. به‌راحتی می‌توانند با یک حرف یا نگاه بشکنند. باید آداب برخورد با آنها را یاد بگیریم؛ کمک‌شان کنیم و درهای جامعه را به‌روی‌شان باز بگذاریم؛ اجازه بدهیم از پیله ناتوانی و ضعف بیرون بیایند و شگفتی بال‌هایشان را پیش چشم ما به نمایش بگذارند. پروانه‌ها وقتی از دنیا نا امید می‌شوند، گریه نمی‌کنند. درعوض قدرت بال‌هایشان را از دست می‌دهند. خشک می‌شوند، می‌شکنند، تمام می‌شوند.

نویسنده «پروانه‌ها گریه نمی‌کنند» تاکید دارد که باید برای بهترشدن حال پروانه‌ها تلاش کنیم. نگذاریم از شوق پرواز خالی شوند. بگذاریم جهان با دیدن لبخند آنها زیباتر از قبل شود. زیبا مثل لبخند رضایت یک پروانه وقتی که بال‌های پر از طرح و نقشش را روی گل آفتابگردان بازمی‌کند.

در بخشی از روایت «دل داده‌ام بر باد، بر هرچه باداباد» آمده است: «حرفی برای گفتن نداشتم جز این‌که از خدا بخواهم با من همان‌طور مدارا کند که من با محمدم می‌کنم. چشمش را به‌روی خراب‌کاری‌های من ببندد و وقتی برای آشتی به‌سمتش می‌روم دستم را بگیرد، بغلم کند و زیر گوشم بگوید ایرادی نداره، سخت نگیر. بالاخره درست می‌شه.»

کتاب «پروانه‌ها گریه نمی‌کنند» در ۲۵۶ صفحه توسط «جام‌جم» منتشر شده و مورد استقبال مخاطبان واقع شده است.

چند خط برای کتاب «لهجه‌های غزه‌ای»

بارقه‌های امید در شهری که زنده است

هادی درستی
رئیس اداره کتابخانه‌های عمومی شهرستان خوی

قدیم این‌طور بود که یکهو و بی‌هوا، پستچی سر می‌رسید و خط و خبر برایت می‌آورد و نامه به‌کنار، گرفتنِ بسته‌ای که هیچ خبر از ارسالش نداشتی، لذتی فوق‌العاده بود؛ اما این روزها شاید دیگر کسی منتظر پستچی نیست و قبلِ آمدنِ بسته، پیامک دریافت بسته در مبدا و ارسالش به آدرس شما در نرم‌افزار «بله» دیگر مزه آن هیجان را برده است. این‌ها هم به‌کنار، دیگر این روزها کسی برای کسی کاغذ نمی‌نویسد که پست کند و بسته‌ها بیشتر خریدهای اینترنتی‌اند. یا در مورد آدرس ما، آخرین کتاب کمک‌آموزشی فلان ناشر که برای همسرم که معلم است می‌آید و پستچی بس‌که از این بسته‌های تبلیغاتی آورده، کارش را ازبر است و می‌آید و آیفون را می‌زند و کتاب را می‌گذارد پشت در و خودش امضا را می‌زند و می‌رود. ولی من هم‌چنان امیدوارِ شوق و لذت دریافت بسته از عزیزهای زندگی‌ام هستم.

رفیقی دارم کتاب‌خوان و کتاب‌بلد و ازقضا نویسنده، که وقتی از کتابی خوشش بیاید و بخردش، رسم دارد معمولا دوسه نسخه اضافه خرید می‌کند که آن تازه نشر، هم مهمان کتابخانه خودش باشد هم قسمت کتابخانه رفیقی مثل من. و رسم دیگری دارد و آن این‌که لای کتابی که به‌هدیه می‌فرستد، روی کاغذی یک‌رو سفید، چند خط برای آدم می‌نویسد که آن چندخط از کتابی که به‌پیوست آمده، لذیذتر است. بسته‌های ارسالی دوستم که معمولا با پیک و سرویس محل کارش یا به‌دست رهگذری که سمتش مسیر من باشد، ارسال می‌شود و زمان و ساعت و روز مخصوصی ندارد و نُه از دَه، شگفتانه‌اند.

هفته پیش دوشنبه، یکی از آن وعده‌های غیرمعمول بود. بسته‌ای در پاکتی که یک‌بار قبلا استفاده شده بود، آمد و نشست روی میز محل کارم و از خطِ با خودنویس نوشته‌شده‌اش فهمیدم که مبداش کجاست. کتابی کم‌حجم، با یادداشتی به‌پیوست: «لهجه‌های غزه‌ای».

کتابی که تازه‌تازه و داغِ‌داغ از زیر چاپ درآمده و دو نفر از اهالی زندانی‌شده در بزرگ‌ترین زندان روباز جهان، یعنی غزه، آن را به‌رشته تحریر درآورده‌اند. و تو از اولین سطرها، مجذوب صداقت و سادگی بیان نویسندگانش می‌شوی.

یکی از راویان، زنی است اصالتا اهل غزه و ازقضای روزگار، ساکن اروپا که برای دیدار اقوام رفته غزه و خورده به ماجرای ۷ اکتبر و گیرافتاده در بلای شبانه‌روزی صهیونیست‌ها. خانم فاتنه الغره. و راوی دوم، شاعر و نویسنده اهل و ساکن غزه آقای یوسف القدره که هم‌چنان -اگر زنده مانده باشد!- جائی در باریکه غزه است. و چه‌تعبیری است در این «اگر»! مرگ با این‌که ذاتا بی‌خبر و قرار قبلی می‌آید، در غزه، با بی‌رحمی و شدت بالائی جان می‌گیرد...

انتشارات سوره مهر، کتاب را با ترجمه شیوای آقای محمدرضا ابوالحسنی به‌چاپ رسانده است.

راوی به‌راحتی راجع به اتفاقاتی حرف می‌زند که کافیست دور و بر ما بیفتند و آن روزِ ما را و یا شاید کل زندگی ما را خراب کنند؛ اما او آن اتفاقات را زندگی کرده و می‌کند و هنوز آهنگ زندگی برای او جاریست. تصور کنید شارژ تلفن همراهتان در حال تمام‌شدن است و در شهر هیچ جایی اثری از برق نیست. و جائی درست در تقلای مرگ و زندگی زیر بمباران و کوچ اجباری از شمال، گوشی‌تان خاموش شده و خانواده و دوستان و همه را گم کرده‌ای و چون دیگر کسی شماره کسی را حفظ نیست، کل ارتباطت با آدم‌های دوروبرت را از دست می‌دهی.

یا این‌که کار به‌جایی برسد که از خانه‌ای که خشت‌به‌خشت آن را دوست داشتی و کل اثاث زندگیت در آنجاست، به‌اندازه یک کوله‌پشتی وسیله برداری و تا زیر بمباران نمانده‌ای زیر آوار، از خانه بیرون بزنی و ببینی که کل چیزهایی که خانه‌ات را تشکیل داده بودند در چند پلک، به تل خاک تبدیل شوند.

یا تصور کن در این هاگیر و واگیر، جوان بیست و چندساله‌ای را ملاقات کنی که هوس قهوه کرده است و توی سرش یک گلوله جا خوش کرده و اختیارِ آب دهانش را گرفته و آب در تمام مدتی که با تو از شوقش به یک فنجان قهوه می‌گفت، از گوشه دهانش در حال چکیدن باشد.

و همه این‌ها به‌کنار، تو محو مقاومت مردمی می‌شوی که هم‌چنان زندگی را در غزه جاری نگه داشته‌اند و بچه به دنیا می‌آورند و روی ویرانه‌ها دارند بحث سیاسی می‌کنند و دنبال نان و هیزم و تنورند و در آن کشاکش بلا، می‌روند به چادر همسایه برای چند پَر فلفل قرمز که ادویه محبوب غزه است.

بارقه‌های امید در شهر زنده است و شاید هنوز هم جوانی عاشق، چشم به‌راه پستچی است که خبری از معشوق برای آدرسی که دیگر نیست بیاورد!

روایاتی که خیلی به آن نیاز داریم

محمدرضا ابوالحسنی، مترجم کتاب: از ابتدای ماجرای غزه با توجه به خوی پژوهشی‌ام، بدون توجه به جنبه‌های سیاسی، به دنبال روزنوشت‌ها و روایت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بودم، زیرا آنچه در رسانه‌ها وجود دارد صرفا به جنبه سیاسی ماجرا می‌پردازد. من در این جست‌وجوها به دنبال شرایط زندگی روزمره مردم بودم و دوست داشتم بدانم آنها در این شرایط چگونه زندگی می‌کنند. به‌همین دلیل روزنوشت‌هایی را برای خودم جمع می‌کردم تا این‌که به سایت عربی «پیاده‌روی ۲۲» رسیدم که تعداد زیادی از نویسندگان در آنجا روایت و روزنوشت می‌نوشتند. احساس می‌کنم اینها روایاتی است که ما خیلی به آنها نیاز داریم و باید از این دست روایات بیشتر نوشته شود.

برگ سبز خودرو سواری رنو SANDERO-STEPWAY-AT مدل ۱۳۹۶ به‌رنگ سفید شماره انتظامی ایران ۶۷-۲۱۲ س ۷۳ شماره موتور K4MC697-R086285 شماره شاسی NAPBSRBYNH1060019 به مالکیت محمد خادم‌المومنین فولادی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز، سند کمپانی و کارت خودرو سواری پراید صبا، رنگ آبی، مدل ۱۳۷۸، پلاک ۴۹۶ ب ۶۱ ایران ۵۶، شماره شاسی S141227899611 شماره موتور 00120548 به‌نام اینجانب عادل الوچی مفقود گردیده و از اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و کارت خودرو پژو پارس XU7 رنگ خاکستری متالیک مدل ۱۳۹۷ به شماره پلاک ۶۶ ب ۹۴۲ ایران ۴۴ و شماره موتور 124K1239189 و شماره شاسی NAAN01CE6JH328196 به‌نام سید کاظم موسوی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی دعوت مجمع عمومی
عادی به‌طور فوق‌العاده نوبت دوم
شرکت تعاونی مسکن جامعه ورزشکاران ایرانیان
(درحال تصفیه) به شماره ثبت ۱۸۳۷
و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۳۹۹۰۰۰

تاریخ انتشار آگهی: ۱۴۰۳/۰۹/۱۳

جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده نوبت دوم شرکت تعاونی مسکن جامعه ورزشکاران ایرانیان(در حال تصفیه) رأس ساعت ۱۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۹/۲۸ در محل شهرستان رباط‌کریم به آدرس: پرند، فاز ۳ خیابان حافظ شمالی، کوچه عراقی ۳، حسینیه پنج تن آل عبا تشکیل می‌گردد.

لذا از کلیه اعضاء / سهامداران دعوت می‌شود با در دست داشتن کارت و یا دفترچه عضویت و یا برگه سهام راس ساعت مقرر در محل مذکور حضور بهم رسانند و یا وکیل/ نماینده خود را کتبا معرفی نمایند. ضمنا به اطلاع می‌رساند که به موجب ماده ۱۹ آئین‌نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی: تعداد آراء وکالتی هر عضو/ سهامدار حداکثر یک و هر شخص غیرعضو/ سهامدار، تنها یک رأی خواهد بود و اعضای/ سهامداران متقاضی اعطای نمایندگی، می‌بایست به همراه نماینده خود حداکثر تا تاریخ یک هفته قبل از روز برگزاری مجمع عمومی در محل هیات تصفیه تعاونی به نشانی پرند، فاز ۶، بلوار رسول اکرم شمالی، بلوار بعثت، پروژه کیان صنعت، بلوک A، واحد ۸ (محل هیات تصفیه) و در ساعت اداری حاضر تا پس از احراز هویت و تأیید وکالت، برگه ورود به مجمع را دریافت نمایند.

دستور جلسه:
- گزارش هیات تصفیه
- طرح و تصمیم‌گیری در خصوص صورت‌های مالی سنوات سال ۱۳۹۷ الی منتهی به ۱۴۰۲/۱۲/۲۹
- انتخابات اعضای هیات تصفیه و تصمیم‌گیری در خصوص مدت ماموریت هیات تصفیه

هیات تصفیه شرکت تعاونی مسکن جامعه ورزشکاران ایرانیان

شرکت بازرسی خان
پویا پرتو بین المللی
پیشگام در بازرسی‌های ادواری
آسانسورهای مجتمع‌های مسکونی، اداری و تجاری

قابل توجه مالکین و ساکنین ساختمان‌هایی که در آن‌ها آسانسور نصب شده و اعتبار گواهینامه استاندارد آسانسور آن‌ها منقضی گردیده است، خواهشمند است هر چه سریع‌تر جهت اخذ گواهینامه بازرسی ادواری آسانسور با شرکت پویا پرتو تماس حاصل فرمایید.

با ۱۴ شعبه در اقصی نقاط کشور

آدرس دفتر مرکزی: تبریز، خیابان پاستور، حد فاصل شریعتی و لاله زار، روبه‌روی کوی شهید توانا پلاک ۱۲۳ تلفن (۷خط) ۳۴۷۵۱۴۰۱-۰۴۱
فاکس ۳۴۷۵۱۴۰۴-۰۴۱ کدپستی: ۵۷۱۴۹۶۸۳۱۱
صندوق پستی: ۵۱۳۸۵۱۴۸۱